

با تاریخ سازمان ها و مطبوعات
جنبش زنان ایران آشنا شویم

۸۵ سال مبارزه نهضت زنان ایران علیه خرافات دینی

ایراندخت ابراهیمی

استقلال و آزادی زنان نیز مانند تمام طبقه کارگر فقط از راه انقلاب ممکن است. کارل مارکس و فریدریش انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" می آورند که وقتی بساط اسارت زنان از میان برچیده خواهد شد که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید لغو گردد، به استنمار انسان از انسان خاتمه داده شود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، برقراری دیکتاتوری طبقه کارگر، ایجاد جامعه سوسیالیستی و پیروزی های عظیم اتحاد شوروی در تاریخ بشر برای نخستین بار صحت این نظر و آموزش مارکس را به ثبوت رسانید. در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته می شود:

"در تاریخ جامعه بشری برای نخستین بار انقلاب زنان را آزاد کرد و آنها را در میدان زندگی از جهت کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی با مردان برابر ساخت".^۱ لنین در روسیه، در تمام دوران مبارزه انقلابی از هر جهت به مسئله ترقی نهضت زنان و جلب زنان زحمتکش به جبهه واحد مبارزه علیه سرمایه اهمیت بسیار می داد. لنین می گفت: "تا موقعی که پرولتاریا برای زنان آزادی کامل بدست نیآورده به آزادی کامل نائل نخواهد شد".^۲

در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر زنان زحمتکش شوروی آزادی اجتماعی بدست آوردند و بدین ترتیب آرزوهای عناصر مترقی که قرن ها برای برابری حقوق زنان می کوشیدند جامه عمل پوشید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر زنان زحمتکش را از همه انواع ظلم های اجتماعی آزاد کرده در برابر نهضت وظیفه نوینی گذاشت. حکومت شوروی از نخستین روز برقراری خود برای زنان کشور پهناور اتحاد شوروی تمام تدابیر را بموقع اجرا گذارد، زنان را از قید بردگی قرون رهائی بخشید، آنها را در میدان زندگی از جهت کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی با مردان برابر ساخت.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر زحمتکشان تمام جهان را به مبارزه علیه ظلم و استنمار تشویق کرد و همچنین در همه جا بر رشد نهضت آزادی زنان تاثیر بسزایی بخشید. چنانکه تاریخ نشان می دهد جنبش زنان ایران ریشه های عمیق دارد. زنان کشور ما در مبارزات مترقی و آزادیخواهانه ملت ایران به تناسب امکاناتی که داشته اند فداکاری هائی نشان داده اند. یکی از مظاهر مهم نقش زنان ایران در جریان جنبش تنباکو (سال ۱۸۹۱ میلادی) و در جریان قیام زنان ایران علیه محتکران غله (در سال ۱۸۹۵ میلادی) دیده می شود. همچنین در انقلاب مشروطیت زنان ایران از هیچگونه فداکاری دریغ نورزیدند و با همان چادر سیاه، پا به میدان مبارزه گذاردند، انقلاب مشروطه ایران در رشد نهضت مبارزه زنان ایران تاثیری مهم داشته است، ولی مبارزه زنان ایران در این مرحله غیر متشکل بود. شوستر امریکائی در کتاب "اختناق ایران"، احمد کسروی در کتاب "تاریخ مشروطه

^۱ "برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی" باکو، سال ۱۹۶۱ صفحه ۱۱

^۲ آثار لنین چاپ روسی، جلد ۳۹، صفحه ۳

ایران"، ایوانف در کتاب "انقلاب ایران در سال های ۱۹۰۵-۱۹۱۱"، ایوانسکی در کتاب "ایران در راه مبارزه برای استقلال" و غیره از این جنبش ها نمونه های متعدد بدست داده اند.

در سال ۱۹۲۰ با تشکیل حزب کمونیست ایران و تشدید جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک در ایران در شهرهای بزرگ و مختلف کشور توأم با تشکیل سازمان های سیاسی سازمان های زنان نیز تشکیل گردیده و فعالیت خود را آغاز می کنند. تاریخ فعالیت انقلابی و دموکراتیک زنان ایران از این پس بسیار پرشور است و با استفاده از بررسی هایی که تاکنون شده است سعی می کنیم منظره ای اجمالی از این فعالیت بدست دهیم:

پس از تشکیل **نخستین کنگره** حزب کمونیست ایران در انزلی (پهلوی) در ۳۰ خرداد ۱۲۹۹ (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) افکار مترقی در شهرهای ایران اشاعه یافت و از آن جمله ایالتی را که مستقیماً تحت تاثیر قرار داد گیلان بود. در سال ۱۳۰۰ در رشت جمعیتی بنام **"پیک سعادت"** با مرانامه و اساسنامه مشخص که عبارت بود از بدست آوردن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان تشکیل شد. موسسین این جمعیت عبارت بودند از **جمیله صدیقی**، **سکینه شبرنگ**، **روشنک نوع دوست**، **اورانوس پاریاب** و غیره. عده زیادی از زنان و دوشیزگان روشنفکر گیلان در این جمعیت حلقه زدند و با تاسیس کلاس اکابر، دبستان، کتابخانه و قرائت خانه ایجاد مجله **"پیک سعادت نسوان"** سخنرانی ها و دادن نمایش در تئویر افکار زنان آن سامان کوشیدند. **جمیله صدیقی** و **شوکت روستا** را که در این فعالیت ها شرکت داشتند بعدها حکومت رضا شاه به چهار سال حبس در زندان زنان تهران محکوم نمود.^۳ چنانکه گفتیم این جمعیت مدرسه ای بنام **"پیک سعادت"** و مجله ای بنام **"پیک سعادت نسوان"** به مدیریت یکی از زنان مترقی گیلان یعنی روشنک منتشر می شد. در این مجله مقالات اجتماعی و ادبی و بخصوص مقالاتی به پشتیبانی از حقوق زنان درج میشد. مجله **"پیک سعادت نسوان"** خدمت بزرگی به آگاهی و روشن شدن افکار زنان ایران کرده زیرا خوانندگان آن منحصر به زنان رشت و حتی گیلان نبودند. جمعیت **"پیک سعادت"** از طریق ایجاد کلاس اکابر، کلاس صنایع دست دوزی و غیره رابطه وسیعی با زنان طبقات مختلف برقرار نمود. این جمعیت برای **اولین بار** در ایران روز **۸ مارس** را بعنوان روز بین المللی زنان پذیرفت و برگزار کرد.^۴

مقارن همین ایام در سال ۱۳۰۰ شمسی جمعیتی در تهران به اسم **"نسوان وطنخواه"** تشکیل شده بود که مرکب بود از عده ای مدیران، آموزگاران دبستان ها و دبیرستان ها و بانوان روشنفکر که هدفشان محدود به رفع حجاب و **مبارزه با خرافات** بود. پوشیدن لباس وطنی و ترک اشیاء تجملی لوکس برای زنان از شعارهای برجسته ای بود که در مرانامه این جمعیت جهت نفوذ افکار سیاسی و ملی در نهضت زنان قید شده بود.

یکی از رهبران این جمعیت **محترم اسکندری** بود. مجله جمعیت بنام **"جهان زنان"** که از نمونه های خوب مطبوعات آن روز است به سرپرستی وی و مدیریت **ملوک اسکندری** منتشر میشد.

مجله **"جهان زنان"** پس از یک سال فعالیت با مخالفت جمعیت **"اسلام سوسیالیست"** مواجه و بسته شد، ولی بجای آن بزودی مجله **"لسان زنان"** نشر گردید و تا سال ۱۹۲۴ به فعالیت خود ادامه می داد. جمعیت ارتجاعی **"اسلام سوسیالیست"** از هر گونه امکانات استفاده کرده در تهران برای جلوگیری از فعالیت جمعیت زنان مبارزه می کرد.

یکی از نمایندهائی که توسط جمعیت زنان و به رهبری **میرزاده عشقی** به معرض نمایش گذارده شد **"دختر قربانی"** بود. بنا به نوشته مجله **"دنیا"** در حدود ۶۰۰ نفر به تماشای آن آمده

^۳ روزنامه "رهبر" شماره مخصوص، سال ۱۳۲۵، صفحه ۸

^۴ مجله "دنیا"، دوره دوم، شماره ۲ سال ۱۳۳۹، صفحه ۱۹

^۵ مجله "نوی و استوک"، شماره ۶، سال ۱۹۶۳

بودند. این نمایش در روز ۸ مارس داده شد و در آنجا ناطقین اهمیت تاریخی و بین المللی آن روز را متذکر شدند. این جمعیت در سال ۱۳۰۸ پس از آنکه تعقیب کمونیست ها شدت یافت منحل گشت.^۶

کمی بعد در اصفهان نیز جمعیتی به شکل اتحادیه صنفی زنان تشکیل شد. همچنین در شیراز "مجمع انقلاب زنان" از طرف شاعر مشهور دموکرات **زندخت شیرازی** در سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۱ تاسیس و با جسارت هر چه کاملتر علیه حجاب زنان، در راه آزادی و برابری حقوق بانوان تبلیغ و مبارزه می کرد. این دوشیزه شاعر مجله ای بنام "**دختران ایران**" منتشر ساخته که متأسفانه بیش از هفت شماره انتشار نیافته است.^۷

در اواخر سال ۱۳۱۵ جمعیتی نظیر "پیک سعادت" رشت در تهران بنام "**بیداری نسوان**" تشکیل گردید و شروع به مبارزه نمود. مقارن همین ایام در قزوین جمعیت دیگری با همین مرام بنام "**انجمن نسوان**" مرکب از عده ای بانوان روشنفکر قزوین تاسیس یافت. در قزوین نیز فعالیت "انجمن نسوان" شایان دقت بود.

در پیدایش سازمان هایی که نام برده شد حزب کمونیست ایران غیر مستقیم دخیل بود و در آنها فراکسیون حزبی متشکلی داشت. در سال های ۱۹۱۰-۱۹۲۱ تحت تاثیر انقلاب سوسیالیستی اکتبر در ایران و شهرهای مختلف آن جمعیت های مترقی زنان تشکیل گردیده بود. گرچه این جمعیت ها جنبه مترقی داشتند ولی در فعالیت آنها روشهای متفاوتی مشاهده می شد.

باید متذکر شد که مابین جنبش های زنان ایران قبل از انقلاب اکتبر و نحوه فعالیت جمعیت هایی که در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۳۰ تشکیل یافته و به فعالیت پرداخته بودند فرق زیادی موجود بود. در ایران قبل از انقلاب اکتبر و در دوره انقلاب مشروطه جنبش های زنان شکل محدودی داشت. در این مرحله شعار نهضت زنان بیشتر مبارزه علیه استبداد و استعمار خارجی بود. مبارزه با روح ملی پیش می رفت و زنان سازمان های متشکلی نداشتند.

بعد از سال های ۱۹۲۰ مبارزه سازمانهای زنان با شعارهای مترقی برای بدست آوردن حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، برای استقلال کشور **مبارزه علیه شاه و خرافات دینی** بود. در این مرحله سران سازمانهای زنان عبارت بودند از زنان ترقیخواه و تحصیل کرده و مجهز به تعلیمات سیاسی. رهبری سازمان ها بر عهده حزب کمونیست ایران بود. با همه اینها در فعالیتهای سازمانهای زنان نواقصی موجود بوده است. مثلاً با رهبری حزب کمونیست ایران در شهرهای مختلف کشور سازمان های زنان تشکیل گردیده بود، ولی این سازمانها در اطراف خود فقط زنان باسواد را جلب کرده و با زنان کارگر، بافنده، دهقان و غیره رابطه ای نداشتند. حال آنکه در گیلان زنان شیلات و شالی زارها و در لاهیجان در باغهای چای کار می کردند. در شهرهای تهران، کرمان، اصفهان، چالوس و تبریز در کارخانه های بافندگی بخصوص در کارخانه های قالی باقی زنان و دختران کارگر تقریباً نیمه ای از کارگران را تشکیل می دادند.

همین که پایه سلطنت رضا شاه مستحکم و مستقر گردید مانند سایر سازمان های سیاسی سازمانهای زنان نیز در مقابل خطر انحلال قرار گرفتند. جمعیت های زنان و همچنین سازمان های سیاسی دیگر یکی پس از دیگری از طرف ارتجاع ایران منحل شدند. ولی مبارزان آنها همچنان در صفوف عناصر مترقی مبارزه خود را دنبال می کردند. نقشی که این سازمان ها ایفا کرده بودند اثرات عمیق خود را باقی گذارده بود. در دوران حکومت دیکتاتوری رضا شاه (بخصوص سالهای ۱۳۱۰-۱۳۱۱) زنان ایران مبارزه خود را در

۶ مجله "دنیا"، شماره ۳، سال ۱۳۳۹، صفحه ۱۹

۷ مجله "دنیا"، شماره ۴، سال سوم ۱۳۴۱، صفحه ۵۰

مجالس بحث ادبی و در مطبوعات به شکل منظوم و ادبی ادامه می دادند، شخصیت های مترقی ایران نیز از حقوق زنان دفاع می کردند.

رضا شاه به منظور جلوگیری از بسط افکار آزادیخواهی بین زنان ایران و تحت فشار محیطی که مبارزه زنان و عناصر مترقی بوجود آورده بود روز یکشنبه ششم آذر ماه سال ۱۲۱۱ دومین کنگره عمومی نسوان شرق و اولین کنگره زنان ایران را در شهر تهران تشکیل داد. هیئتی از زنان کشورهای شرقی برای انعقاد کنگره به ایران وارد شدند. رئیس کنگره نسوان شرق از اهل لبنان بانو نور حماده بود. مستوره افشار در این کنگره نماینده زنان ایران بود. دومین کنگره عمومی نسوان شرق مواد بیست و دو گانه ای مقرر داشت. مهمترین مسئله کنگره موادی بود که پس از انقلاب مشروطیت و برقراری حکومت مشروطه برای بهبود وضع زنان در نظر گرفته شده بود. البته باید متذکر شد که مواد بیست و دو گانه بعدها فقط به منافع طبقه حاکمه خدمت کرد.

رضاشاه پس از مسافرت به ترکیه دست به سیاست ریاکارانه ای زد. او در اثر مبارزات عمیق زنان در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) "کانون بانوان" را در تهران تشکیل داد و امر به رفع حجاب نمود. این کانون اداره دولتی بود که توسط وزارت فرهنگ رضاشاهی تاسیس شده بود و کاری جز پرورش افکار کذائی نداشت.

برداشتن چادر

رضاشاه برای تظاهر در مقابل جهانیان درباره آزادی زنان "کانون بانوان" را تشکیل داد و چنانچه اشاره شد امر به رفع حجاب نمود. پس از آن زنان ایرانی در برخی از ادارات دولتی حق استخدام بدست آوردند. اما از نقطه نظر قانون گذاری وضع زنان ایران تغییری نکرد. این عمل جز ایجاد امکانات محدود برای عده ای از زنان و دختران شهرنشین هیچگونه تحولی در زندگی توده زنان بوجود نیاورد، قوانین ظالمانه و ارتجاعی به قوت خود باقی ماندند. با همه اینها باید متذکر شد که رفع حجاب پایه تحول مهمی در زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان ایران بشمار می رود. از این تاریخ نقش زنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور ما شروع گردید. درهای مدارس عالی به روی زنان، ولو از طبقات بالای اجتماع باز شد. زنان به ادارات و موسسات و کارخانجات راه یافتند و در کارهای تولیدی کارخانه های شهرستانها به عنوان کارگران ارزان مزد از وجود آنها شروع به استفاده شد. در این موقع طبق آمار موجود در ۶۹ موسسه بافندگی، در ۲۵ کارخانه پنبه پاک کنی دولتی، و در ۳۰ کارخانه پارچه بافی ایران اکثریت کارگران را زنان تشکیل می دادند.

قبل از جنگ دوم جهانی در کارخانه ها و موسسات ایران میزان کارگران زن به ۲۵ درصد می رسید. در کارخانجات قالی بافی ۸۰ درصد زنان و دختران ۷ تا ۱۲ ساله کار می کردند. در کارخانجات قالی بافی از ۵۱۱ هزار و هشتصد نفر کارگر ۲۸ هزار و هشتصد نفر کارگر زن بود. در موسسات صنعتی کارگران ۶ تا ۱۲ ساله ۲۵ درصد کارگران را تشکیل می دادند. ولی دستمزد زنان و کودکان در مقابل کار مساوی با مردان از آنها کمتر بود.

طی جنگ جهانی دوم در تمام شهرهای ایران جنبش ملی و دموکراتیک اوج گرفت و بزودی حزب توده ایران که ادامه دهنده کار حزب کمونیست ایران بود تشکیل شد و فعالیت علنی خود را شروع کرد.

در این مرحله فعالیتهای سیاسی آزادیخواهان که از گوشه زندان های شهربانی نجات یافته بودند به منظور نجات توده های ستمکش از قید اسارت و بندگی مفتخوران داخلی و استعمارطلبان خارجی از هر گوشه میهن ما شروع شد. در این موقع زنان آزادیخواه کشور ما تشخیص دادند که ترقی و استقلال میهن ما با چنین عقب ماندگی مادران این کشور امکان پذیر نیست. باید توده زنان را به حقوق اجتماعی و سیاسی و حق بشری واقف ساخت.

برای اجرای این منظور یک سازمان مترقی و متشکل لازم بود تا بتواند زنان دهقان، کارگر، روشنفکر و خانه دار را که زندگی بنده واری طی می کردند بدور خود جمع و متشکل کرده و برای مبارزه در راه آزادی زنان آماده سازد و یک نهضت توده ای زنان بوجود آورد. آنها به استقبال هرگونه خطر که در راه مبارزه داشتند شتافتند. در تیرماه ۱۳۲۲ "تشکیلات زنان" با برنامه اصولی و مترقی به کمک حزب توده ایران تاسیس شد.

نخستین هدف "تشکیلات زنان" متشکل کردن زنان کارگر، دهقان، روشنفکر و خانه دار محروم ایران و بدست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی زنان مخصوصا استقلال اقتصادی زنان ایران بود.

"تشکیلات زنان" حمایت اطفال و تاسیس کودکستانها و نجات زنان از جهالت را از وظایف طراز اول خود می دانست. "تشکیلات زنان" با بیسوادی مبارزه می کرد، برای با سواد کردن زنان به تاسیس کلاسهای اکابر اقدام کرد. این تشکیلات تاسیس قرائت خانه ها و کتابخانه های مجانی و کنفرانس ها را برای ترقی فرهنگ زنان واجب و لازم دانست و در این راه مبارزه کرد و برای بالا بردن سطح فکری زنان مجله "بیداری ما" را در تیر ماه ۱۳۲۲ منتشر ساخت. شعار مجله "بیداری ما" چنین بود:

"ما هم در این خانه حقی داریم". "بیداری ما" در عین حال که اختصاصا از حقوق زنان دفاع می نمود علل بدبختی و عقب افتادگی زنان را به طور آشکار بیان نموده راه چاره را بدانها نشان می داد.

"تشکیلات زنان" بمنظور آشنا کردن زنان به امور اجتماعی و سیاسی کنفرانس های باشکوه در نقاط مختلف پایتخت و شهرستانها تشکیل می داد. شعبات سازمان در اغلب شهرهای ایران فعالیت می کردند. سازمان با اغلب نهضت های مترقی زنان دنیا روابط دوستانه برقرار کرده بود. بعلاوه زنان مترقی ایران در احزاب مترقی و دموکراتیک و اتحادیه های کارگری شرکت می جستند و همگام با برادران مبارز خود برای بدست آوردن حقوق زنان کارگر و محروم می کوشیدند.

پس از تشکیل حزب دموکرات آذربایجان در تبریز "سازمان زنان آذربایجان" تشکیل گردید. حکومت دموکراتیک آذربایجان جنبش زنان را با تمام قوا پشتیبانی و رهبری کرد. برای نخستین بار در ایران به زنان حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داد. زنان در تاریخ مملکت ما برای اولین بار در انتخابات شرکت کردند. حکومت آذربایجان به زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داد. شرکت زنان در تولید کارهای اجتماعی توسعه یافت. هزاران کارگر زن در کارخانجات آذربایجان مشغول کار شدند و در مقابل کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کردند. طبق قانون کار یک ماه مرخصی قبل و یک ماه بعد از زایمان با استفاده از حقوق به زن کارگر داده می شد. بعد از شکست نهضت سازمان زنان آذربایجان نیز منحل گردید.

در سال ۱۳۲۸ در تهران سازمان دیگری به نام "سازمان دموکراتیک زنان ایران" تشکیل گردید. این سازمان در بیشتر شهرهای ایران: رشت، تبریز، اصفهان، آبادان، قزوین و غیره شعباتی دایر نمود و در سال ۱۳۳۱ اولین کنگره زنان ایران را تشکیل داد. در این کنگره قریب ۲۰۰ نفر زن از اغلب شهرستانهای ایران شرکت جستند و نمایندگان برای شرکت در کنگره جهانی زنان که در کپنهاک تشکیل می گردید انتخاب نمودند و قطعنامه هائی صادر کردند.

این قطعنامه ها آمادگی زنان ایران را به مبارزه در راه آزادی و استقلال میهن تامین حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان نشان می داد و روزنامه "جهان زنان" ارگان رسمی این

سازمان تا کودتای شاه - زاهدی مرتبا منتشر می شد و در دوران فعالیت خود در راه آگاهی و مبارزه زنان ایران نقش مهمی انجام می داد.

"سازمان دموکراتیک زنان ایران" بزرگترین سازمان علنی زنان ایران در دوران قبل از کودتا به شمار می رفت.

پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ زنان ایران نیز مانند سایر مبارزان جنبش نجات بخش خلق ما گرفتار تعقیب و حبس و زجر رژیم شاه شدند. رژیم کودتا همانطور که به ساختن احزاب دولتی دست زد، کوشید که برای زنان نیز سازمان هائی درباری و دولتی بوجود آورد و توجه زنان را از مبارزات سیاسی و مسائل اجتماعی به کارهای کم اهمیت و از جمله به کارهای خیریه معطوف سازد. "شورای عالی زنان" و "سازمان زنان" ایران را با همین هدف اعلام داشت.

هدف اصلی از تشکیل این سازمان ها سرگرم کردن زنان به امور فرعی و انحراف آنان از هدف اصلی مبارزه بوده است.

بعد از جنگ جهانی دوم، در اثر شکست فاشیسم، ضعف امپریالیسم و رشد فوق العاده نیروهای صلح و سوسیالیسم نهضت آزادی زنان موفقیت های بزرگ بدست آورد.

البته پیشرفت این نهضت عظیم در همه جا یکسان نیست. در کشورهایی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگ پیشرفت زیادی نکرده اند، در کشورهایی که غول مهیب ارتجاع و خرافات بر آن حکمفرمایی می کند و مدافعین ارتجاع از تابش نور آزادی به آن کشور ها هراسانند، آثار این نهضت بسیار ضعیف است و یا اساس دیده نمی شود.

نقل از کتاب "انقلاب اکتبر و ایران" که در سال ۱۳۴۶ منتشر شده است)